



Shahid Rajaei Teacher Training University- Iran
Ontological Researches
Semi-Annual Scientific Journal
ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
Type: Research

Vol.13, No. 25
Spring & Summer 2024

Journal Homepage: www.orj.sru.ac.ir

An Analysis of the Role of Monotheistic Ontological Foundations on Spiritual Health from the Perspective of the Holy Quran

Enayat Sharifi¹

Abstract

The purpose of this research is to explain the role of the ontological foundations of monotheism of the Qur'an in spiritual health. The method of this research is descriptive and descriptive. Research findings display that monotheistic ontology has foundations such as; Monotheism in creation, monotheism in ownership, monotheism in lordship, monotheism in legislation and legislation have two epistemic and practical roles in spiritual health. Belief in monotheism and monotheism, raising awareness and increasing knowledge and believing in divine predestination from the roles of knowledge and remembrance of God, love of

¹. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University

enayatsharifi@atu.ac.ir

Received: 14/03/2024

Reviewed: 03/04/2024

Revised: 13/06/2024

Accepted: 04/07/2024

worship, strengthening satisfaction and seeking refuge in God from the practical roles of the ontological foundations of monotheism in spiritual health.

Keyword: Ontological Foundations of Monotheism, Spiritual Health, Qur`aan.

Problem Statement

Spiritual health as one of the dimensions of health, along with physical, mental and social health, has been considered in many systems and schools and they have spoken about it on the basis of their own principles. The dimensions of the ontological, anthropological, epistemological and moral cognitive foundations have addressed the foundations of spiritual health, which separate it from the moral system based on humanism and secularism. Ontological foundations are divided into monotheistic ontological foundations, metamaterial ontological foundations and intuitive or material ontological foundations. The ontological foundations of monotheism are those negative and positive propositions from the Holy Quran that talk about monotheism and monotheism, that other intellectual foundations are dependent on these foundations in their realization and they have more priority. Metamaterial ontological foundations are beings that cannot be understood by the senses in normal conditions and do not have spatial and temporal extensions. Material ontology are beings that can be sensed by sensory means and have spatial and temporal extensions, therefore one of the most important ontological foundations is monotheistic ontology. The present study aims to investigate the role of monotheistic ontological foundations on spiritual health through the descriptive and analytical method from the perspective of the Qur'an and answer the following questions:

1. What are the ontological foundations of monotheism?
2. What are the epistemic roles of monotheistic foundations on spiritual health?
3. What are the practical roles of monotheistic ontological foundations on spiritual health?

Method

The method of this research is descriptive and analytic one. In this research, it has been tried that the main concepts that include; The ontological foundations of monotheism, spiritual health, epistemic roles, and practical roles are the ontological foundations of the monotheism of the Qur'an. be evaluated accurately. This method of analysis allows us to better understand the epistemological and practical roles of the monotheistic existential foundations of the Qur'an.

Findings and Results

1. Spiritual health is considered in the Qur'an as one of the dimensions of health, along with physical, mental and social health, with the words "healthy heart" and

"safe soul" and it means that the human soul and heart are free from any disease; It is religious, moral, and has religious, moral and behavioral characteristics.

2. Spiritual health in the Qur'an has the foundations of ontology, anthropology, cognitive knowledge, and cognitive value, which distinguish it from other systems.

3. Ontological foundations have monotheistic ontological foundations, occult or metamaterial ontological foundations and intuitive or material ontological foundations, which are discussed and investigated in this research.

4. Monotheism in creation, monotheism in ownership, monotheism in lordship, and monotheism in governance and legislation are the foundations of monotheism and monotheism, and each of these foundations play an essential role in the health of the human soul and spirituality. Because one of the most important functions of the foundations of monotheism is the peace and assurance that comes from faith and remembrance of God.

5. Monotheistic ontological foundations with epistemic and practical roles cause spiritual health. Knowledge of God and belief in God's predestination are among the most important roles of knowledge and belief in God, mention and remembrance of God, love of worship, strengthening the spirit of being satisfied with life and seeking refuge in God are among the most important practical roles of the foundations of existence. Monotheistic cognition is in spiritual health.

References

Azarbajani, M, *The pattern of spiritual health in the Holy Quran with a semantic approach, Islam and Religious Studies bi-monthly, year 1, 2022, persiam.*

ibn Ashur, M, Tahrir and al-Tanvir, B. Cha .n.d , Arabic

ibn Faris, A, Al-Maqais al-Lagheh, Qom, Al-Alam al-Islami School, B.T.A. Arabic.

Esfahani Najafi, M, Hidayah al-Mustarashdin, Qom, Al-Al-Bayt (A.S.) Foundation, first edition . n.d Arabic.

Bahrani, H, al-Barhan fi al-Tafsir al-Qur'an, first edition, Tehran, Basat Basat, 1995, Arabic.



Shahid Rajaee Teacher Training University- Iran
Ontological Researches
semi-annual scientific journal
ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
Type: Research

Vol.13, No. 25
Spring & Summer 2024



پژوهش‌های هستی‌شناختی
دو فصلنامه علمی
نوع مقاله: پژوهشی
سال سیزدهم، شماره ۲۵
بهار و تابستان ۱۴۰۳
صفحات ۱۵۲-۱۲۷

تحلیلی از نقش مبانی هستی‌شناختی توحیدی بر سلامت معنوی از منظر قرآن کریم

عنایت شریفی^۱

چکیده

هدف این پژوهش تبیین نقش بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی قرآن در سلامت معنوی و روش این تحقیق توصیفی و تحلیلی است. در این پژوهش سعی شده است که مفاهیم اصلی مورد نظر که شامل بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی، سلامت معنوی، نقش‌های معرفتی، نقش‌های عملی بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی قرآن می‌باشند. به صورت دقیق مورد ارزیابی قرار گیرند. این روش تجزیه و تحلیل به ما این امکان را می‌دهد تا با شناخت بیشتری نقش‌های معرفتی و عملی بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی قرآن را بر سلامت معنوی بپردازیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هستی‌شناختی توحیدی دارای بنیان‌هایی چون؛ توحید در خالقیت، توحید در مالکیت، توحید در ربوبیت، توحید در تشریح و قانون‌گذاری با دو نقش معرفتی و عملی در سلامت معنوی تأثیرگذارند. باور به توحید و یکتاپرستی، آگاهی بخشی و علم‌افزایی و اعتقاد به مقدرات الهی از نقش-

enayatsharifi@atu.ac.ir

^۱ استاد گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

تاریخ داوری: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۴

های معرفتی و ذکر و یاد خدا، حب عبودی، تقویت رضایتمندی و پناه جستن به خدا از نقش‌های عملی بنیان-های هستی‌شناختی توحیدی در سلامت معنوی هستند.
کلمات کلیدی: مبانی هستی‌شناختی توحیدی، سلامت معنوی، قرآن.

۱. مقدمه در بیان مسأله

سلامت معنوی به عنوان یکی از ابعاد سلامت در کنار سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی در بسیاری از نظام‌ها و مکاتب مورد توجه قرار گرفته است و براساس مبانی خود در باره آن سخن گفته‌اند در این میان قرآن کریم با تبیین مبانی آن در ابعاد مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی به بنیان‌های سلامت معنوی پرداخته است که آن را از نظام اخلاقی مبتنی بر اومانیزم و سکولاریسم، جدا می‌سازند. بنیان‌های هستی‌شناختی به بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی، بنیان‌های هستی‌شناختی غیبی یا فرامادی و بنیان‌های هستی‌شناختی شهودی یا مادی تقسیم می‌شوند. بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی، آن دسته از گزاره‌های سلبی و ایجابی از قرآن کریم است که در باره توحید و یکتا پرستی سخن می‌گویند که سایر مبانی فکری در تحقق خود به این مبانی وابسته اند از اولویت بیشتری برخوردار باشد مبانی هستی‌شناختی فرامادی، موجوداتی هستند که در شرایط عادی قابل درک حسی و دارای امتدادهای مکانی و زمانی نمی‌باشند. هستی‌شناختی مادی، موجوداتی هستند که با ابزارهای حسی، قابل ادراک حسی و دارای امتدادهای مکانی و زمانی می‌باشند براین اساس یکی از مهم‌ترین بنیان‌های هستی‌شناختی، هستی‌شناختی توحیدی است که پژوهش حاضر در صدد است با روش توصیفی و تحلیلی، نقش مبانی هستی‌شناختی توحیدی بر سلامت معنوی را از منظر قرآن مورد بررسی قرار دهد و در این مورد به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

۱. مبانی هستی‌شناختی توحیدی کدامند؟
۲. نقش‌های معرفتی مبانی توحیدی بر سلامت معنوی چگونه است؟
۳. نقش‌های عملی بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی بر سلامت معنوی چگونه است؟

پیشنه مسأله

دربارهٔ مسأله «نقش مبانی هستی‌شناختی توحیدی بر سلامت معنوی از منظر قرآن کریم» هیچ تحقیق مستقلی تاکنون انجام نشده است. اما درعین حال برخی از تحقیقات مرتبط در این زمینه وجود دارد که برای انجام پژوهش پیش رو تا حدی راهگشا بوده از جمله می‌توان به کتاب «سلامت معنوی از دیدگاه اسلام» اثر مجتبی مصباح و همکاران، کتاب «سلامت معنوی، چیستی، چرایی و چگونگی» نگارش یافته فریدون عزیز و همکاران، کتاب «بهداشت روانی و سلامت در پرتو آیات قرآن مجید» اثر سید شمس الدین اطهاری و همکاران. کتاب «سلامت روان از دیدگاه قرآن» اثر اصغر جاوید، «کتاب مفاهیم بنیادی در روانشناسی سلامت» اثر حسن احدی و همکاران، و کتاب «روان‌شناسی سلامت در عمل» اثر مارک فوریشاودویوید شفلید، ترجمهٔ احمد احدیان و علی رضا عطائی و مقاله «نقش معنویت دینی بر سلامت جسمی» نوشتهٔ غلامرضا نورمحمدی در مجلهٔ قرآن و طب، زمستان ۱۴۰۰ مقاله «الگوی سلامت معنوی با رویکرد معناشناسی» اثر مسعود آذربایجانی در دوفصل نامه اسلام و مطالعات معنویت، بهار ۱۴۰۱، مقاله «تحلیلی بر معناشناسی قلب سلیم»، مقاله «رهیافتی در شناخت سلامت معنوی در قرآن کریم»، اثر سیدحسین حسینی کارنامی و علی اصغر زکوی در مجله دین و سلامت، بهار و تابستان ۱۳۹۸، مقاله «تبیین رابطهٔ سلامت معنوی با انواع قلوب هشت گانه در قرآن» اثر محمد قاسمی و سعید جلیلیان در دو فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ و مقاله «روش‌های حفظ سلامت روان از منظر قرآن کریم»، اثر کاظم معاضدی و عبدالله اسدی در بهار ۱۴۰۱. ولی به نظر می‌رسد هرچند آثاری فراوانی درباره سلامت معنوی به نگارش در آمده است. ولی اثر مستقل و درخور توجهی در باره نقش مبانی هستی‌شناختی توحیدی از منظر قرآن بر سلامت معنوی نگارش نیافته است. از این رو این نوشتار در پی آن است که به صورت جامع نقش مبانی هستی‌شناختی در سلامت معنوی از منظر قرآن را با رویکرد توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار دهد از این جهت روش‌های طرح شده در این نوشتار جدید بودن کار و تحقیق را روشن می‌سازد.

۲-۱. سلامت

سلامت از مادهٔ سلم در لغت در معانی؛ صحت و عافیت (آزهری، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۱۱؛ ابن فارس، بی‌تا، ج ۳، ص ۹۰). و عاری بودن از بیماری ظاهری و باطنی (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۲۴۷). بکار رفته است و در اصطلاح امروزه بسیاری از اندیشمندان سلامتی و بیماری را به معنای وسیع‌تر از شرایط فیزیولوژیک می‌دانند که تمامی ابعاد؛ جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی را شامل می‌شود (دیماتئو، ۲۰۰۸، ص ۱۵). چنان‌که سازمان بهداشت جهانی در تعریفی سلامتی را به معنای حالت رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی می‌داند (Word Health Organization, 1997). براساس این تعریف به کسی سالم گفته می‌شود که دارای رفتار و فکر سالم نیز باشد.

۲-۲. معنویت

کلمهٔ معنویت مصدر جعلی در لغت به معنای معنوی بودن است و معنوی و معنویت به هر آنچه شامل، یا مربوط به معنی یا روح باشد گفته می‌شود و در مقابل ظاهری و مادی است. معنویت یعنی وجود معنا، و هر آنچه را مادی نباشد معنوی گویند (ر.ک: دهخدا، ۱۹۹۸، ج ۱۴، ص ۱۶۰) و در اصطلاح تعریف‌های مختلفی از سوی روان‌شناسان و محققان دینی ارائه شده است. برخی معنویت را به عنوان ماهیت هستی‌بخش یک شخص آورده‌اند که در جست‌وجوی معنا و هدف زندگی خویش است و آن را از لحاظ معنای زندگی، آرامش ذهنی و رابطه با یک وجود متعالی بیان کرده‌اند (murta, h & morita, 2006). برخی دیگر معنویت را فراروی ارادی و وجودی از مادیت، انانیت و موقعیت در ابعاد؛ بینشی، کنشی و گرایشی به سمت و سوی خداوند به عنوان کانون، مبدأ و مقصد معنویت است که زمینه تجربه زیسته باطنی و عمیق‌تری را فراهم می‌کند، می‌دانند (آذربایجانی، ۲۰۲۰، ص ۱۱).

۲-۳. سلامت معنوی

سلامت معنوی از نیم قرن پیش به عنوان یکی از ابعاد چهارگانه سلامت مورد توجه و عنایت پزشکان، اندیشمندان و روان‌شناسان قرار گرفته است. این مفهوم نخستین بار در سال ۱۹۷۱ توسط موبرگ و تحت عنوان بهزیستی معنوی مطرح شد. براین اساس برای سلامت معنوی تعریف واحدی وجود ندارد و تعریف‌های مختلفی برای آن ارائه شده است:

هاگز در تعریف سلامت معنوی می‌نویسد: «حسی از ارتباط داشتن با دیگران، داشتن معنا و هدف در زندگی و داشتن اعتقاد و ارتباط با یک قدرت متعالی (Hawks, Hull, 1995, Thalman, Richins, 1995).

برخی دیگر در تعریف آن می‌نویسند: «حالتی از بودن، احساسات مثبت، شناخت ارتباط فرد، خود، دیگران و یک نیروی ماورایی» (Gomez R, Fisher, 2003).

با رویکردهای دینی تعریف‌های فراوانی از سلامت معنوی ارائه شده است: برخی در تعریف آن می‌نویسند: «سلامت معنوی عبارت است از حالت اطمینان، امنیت، آرامش و سکون قلبی و روحی که از اعتماد به منبع و قدرتی برتر. متفاوت از عوامل مادی و پیرامونی ناشی می‌شود و باعث افزایش امید و رضایتمندی و نشاط درونی می‌گردد و در نهایت به سلامت و تعالی همه جانبه انسان و به انسانیت کمک می‌کند (ر.ک: عزیزی و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲۹). این تعریف با توجه به مبانی اعتقادی قرآنی کامل نیست. زیرا مؤلفه‌هایی همچون؛ آرامش، امید، شادی و رضایتمندی که کمابیش در حیوانات نیز وجود دارد (مرتبه حیوانی روح) و ممکن است در کوتاه مدت و به طور ناقص به شیوه‌هایی حاصل شوند که در نهایت با کمال حقیقی انسان تضاد داشته باشند. لذا نمی‌توانند به طور مطلق به مثابه شاخص‌های اصلی سلامت معنوی قرار گیرند (همان، ص ۴۰). اگر چه واژه‌های معنویت و سلامت معنوی در قرآن نیامده است، ولی مفهوم و ویژگی‌های سلامت معنوی در قالب تعبیر قرآنی قلب سلیم (شعراء، ۸۹، صافات، ۸۴) و اطمینان (رعد، ۲۸ و فجر، ۲۷) و قلب بیمار (بقره، ۱۰، مائده، ۸۲) می‌توان یافت. مفسران در خصوص قلب سلیم تفسیرهای متعددی دارند؛ برخی از صاحب نظران سلامت قلب را عبارت از خالی بودن آن از عقاید باطل و میل نداشتن آن به شهوات و لذت‌های دنیا دانسته‌اند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۹۹۵، ج ۱۹، ص ۷۸). برخی دیگر سلامت قلب

را عاری بودن آن از همه آفات معنوی همچون؛ کفر، نفاق، کینه و ریا می‌دانند و معتقدند که اگر این گونه سلامت حاصل شد سلامت جسمی نیز بدست خواهد آمد (مغنیه، ۱۹۹۳، ج ۵، ص ۵۰۳). برخی دیگر معانی قرآنی قلب (ادراک باطنی و درونی)، منظور از سلامت در این بحث را سلامت معنوی مجازی دانسته‌اند، یعنی برخورداری از قلبی که از عقاید شرک آلود، پاک باشد (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۶) براساس این تعریف معنای قلب سلیم را می‌توان معادل با سلامت معنوی مطلق دانست. برخی دیگر خلوص مطلق قلب از همه شائبه‌ها، مرض‌ها، اغراض، انحرافات و صفات شهوانی را معادل با سلامت آن دانسته‌اند (سید قطب، ۱۹۹۱، ج ۵، ص ۲۶۰۴). علامه طباطبایی از منظر نفی به موضوع نگریسته و مراد از قلب سلیم را قلبی دانسته است که از هرچه به تصدیق و ایمان به خدای سبحان زیان برساند، خالی باشد مانند؛ شرک جلی و شرک خفی، اخلاق زشت، آثار گناه و هرگونه تعلق به غیر خدا که انسان را جذب کند و باعث شود صفای توجه به خدا اختلال پذیرد (طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۱۷، ص ۱۴۷). ولی به نظر می‌رسد سلامت معنوی در قرآن کریم به معنای عاری بودن نفس و قلب انسان از هرگونه بیماری‌های اخلاقی، اعتقادی و رفتاری جهت رسیدن به کمال نفسانی در مرتبه نفس مطمئنه (رعد، ۲۸ و فجر، ۲۷) و دارای شاخص‌های شناختی، احساسی و رفتاری می‌باشد. در این اندیشه، سلامت معنوی همه مراتب وجودی انسان را فرا می‌گیرد و حقیقتی است که متجلی در بینش‌ها، رفتارها، احساسات و پیامدها خواهد شد.

۲-۴. نفس مطمئنه

نفس مطمئنه حالتی از نفس است که در آن، به جهت مداومت بر پیروی از عقل در دوری از گناه، این کار ملکه یا عادت انسان می‌شود و در نفس او اطمینان و آرامش پدید می‌آید (مصباح یزدی، ۲۰۲۰، ص ۲۷). نفس را دارای چند رتبه و نفس مطمئنه را مقابل نفس اماره و نفس لوامه، بالاترین رتبه نفس دانسته‌اند. پایین‌ترین رتبه نفس، نفس اماره است که در آن، انسان از عقل پیروی نمی‌کند و به گناه گرایش دارد. رتبه بالاتر، نفس لوامه است که در آن، نفس هوشیار است و اگر کار بدی انجام دهد، خود را نکوهش می‌کند. بالاتر از این رتبه هم نفس مطمئنه قرار دارد (همان، ص ۲۶-۲۷، مطهری،

۲۰۱۰، ج ۳، ص ۵۹۶-۵۹۵). برخی دیگر بر این باورند که نفس مطمئنه نفسی است که در پرتو یاد خدا آرامش یافته و به هر چه خدا راضی است رضایت دارد؛ خود را مالک هیچ خیر و شر و نفع و ضرری نمی‌داند؛ دنیا را محل گذر و هر فقر و بی‌نیازی را امتحان الهی می‌داند؛ به همین جهت همواره بر مرز عبودیت مستقر است و نعمت‌های دنیوی او را به فساد و استکبار نمی‌کشانند و فقر و ناداری نیز او را به کفر و ترک شکر و نمی‌دارد (طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۲۰، ص ۲۸).

۳. بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی

در هستی‌شناختی قرآنی خدایتعالی خالق همه چیز است (انعام، ۱۰۱، رعد، ۱۶، زمر، ۶۲، غافر، ۶۲). خدا جامع همه کمالات و مبرا از همه نواقص است (اعراف، ۱۸۰). خدا مالک تمام هستی است و عزت و ذلت بدست اوست (آل عمران، ۲۶، یونس، ۶۶؛ نساء، ۱۳۹). سراسر هستی، در وجود و کمالات وجودی خود، عین وابستگی و نیاز به خدا هست و او مطلقاً از همه موجودات بی‌نیاز است (فاطر، ۱۵، محمد، ۳۸، اخلاص، ۲) و... بر این اساس توحید و یکتا پرستی دارای بنیان‌هاست که هریک از آنها بر سلامت معنوی تأثیرگذارند. مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۳-۱. توحید در خالقیت

توحید در خالقیت یعنی اینکه در جهان هستی، بیش از یک خالق اصیل و مستقل نداریم و خالقیت علل دیگر در طول خالقیت او است و به اذن و فرمان او صورت می‌گیرد در آیات فراوانی به خالقیت خدایتعالی و مخلوقیت عالم هستی یکتا تصریح شده است؛ در سوره زمر آمده است: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر، آیه ۶۲)؛ خداوند آفریدگار همه چیز است. و نیز در آیات؛ انعام ۱۰۲، اعراف، ۵۴، غافر، ۶۲، شوری، ۴، فرقان، ۲، قمر، ۵۳ و ۹۴ - ۹۹، انعام، ۵۸، اعراف، ۶ و ۶۷ و ۶۸، یونس، ۱۰ - ۲۰، ۶۵ - ۷۴ و ۸۰ - ۸۱، نحل، ۱۲، اسراء، ۳۳ - ۴۱ و ده‌ها آیه دیگر از سوره‌های مختلف قرآن، با تعبیرهای گوناگون توجه انسان را به نشانه‌های گویایی که در نظام استوار جهان بر یگانگی آفریدگار و کردگار جهان است، جلب می‌کند.

از آیات استفاده می‌شود که خدای تعالی هر آن چیزی را که در عالم هستی وجود دارد برای آسایش و بهره‌گیری انسان در جهت پیمودن به کمال و سعادت آفریده است. بر این اساس است که تمام پدیده‌های عالم هستی به صورت هماهنگ و منسجم با یک نظم خاصی درصدد تأمین نیازهای انسان و سایر موجودات هستند تا انسان به گونه اعتدال از آنها بهره‌برده و در مسیر سلامت و کمال حرکت کند.

۳-۲. توحید در مالکیت

از منظر قرآن کریم، مالک و صاحب اختیار حقیقی عالم هستی، خدا می‌باشد و مالکیت انسان، مالکیت اعتباری و قابل زوال است از این رو هرگز خود را مالک حقیقی و دائمی نمی‌بیند تا دغدغه‌ی از دست دادن آن را داشته باشد بدین ترتیب آرامش خود را در ربوبیت الهی بدست می‌آورد: «لِّلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْاَرْضِ وَ اِنْ تُبَدُّوْاْ مَا فِيْ اَنْفُسِكُمْ اَوْ تَخْفَوْهُ يَحْسِبِكُمْ بِهِ اللّٰهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَآءُ وَ يَعَذِّبُ مَنْ يَشَآءُ وَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ» (بقره، ۲۸۴)؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست. و (از این رو) اگر آنچه را دردل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می‌کند. سپس هر کس را بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، می‌بخشد و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد)، مجازات می‌کند و خداوند به همه چیز قدرت دارد». علامه طباطبایی در تبیین این آیه می‌نویسد: «در آیه شریفه بین چهار چیز دو به دو مقابله افتاده، یعنی بین زمین و آسمان یک مقابله، و بین صفات درونی و اعمال ظاهری یک مقابله شده، در نتیجه آسمان هم سنخ و هم طراز اعمال نفس، و صفات درونی است، و زمین، هم سنخ اعمال بدنی قلمداد شده، پس وقتی می‌فرماید: آنچه در آسمان‌ها است ملک خدا است، نتیجه می‌دهد پس صفات نفسانی بشر نیز ملک او است، و وقتی می‌فرماید: " وَ مَا فِي الْاَرْضِ " نتیجه می‌دهد که پس اعمال انسانها نیز ملک او است، و در آخر نتیجه می‌دهد: آنچه در دل‌های آنان پوشیده هست، چه اظهار بشود و چه نشود ملک خدا است، و به زودی خدای تعالی با محاسبه خود در این ملک تصرف خواهد کرد.» (طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۴۳۵).

۳-۳. توحید در ربوبیت

توحید در ربوبیت به این معنا است که تدبیر امور عالم تنها منحصرأ از آن خداوند است. و لو این که در عالم هستی اسباب و مدبراتی است. اما تمام اینها از جنود و عوامل الاهی اند به امر و مشیت او کار می‌کنند. در مقابل توحید ربوبی، شرک در ربوبیت است. شرک در ربوبیت آن است که انسان تصور کند که در عالم هستی مخلوقات هستند که اگرچه مخلوق خدا هستند، اما خداوند تدبیر امور و مسیر انسان در حیات تکوینی و تشریحی‌اش را به آنها سپرده و بعد از خلقت آنها خود را کنار کشیده و امور عالم را به آنها تفویض کرده است (سبحانی تبریزی، ۲۰۱۶، ج ۱، ص ۴۰۳-۴۱۵).

در آیات فراوانی به توحید در ربوبیت تصریح شده است؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (حمد، آیه ۲، انعام، ۱، یونس، ۱۰، صافات، ۸۲، زمر، ۷۵، غافر، ۶۵) و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» (انعام، ۱۶۴)؛ بگو: آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟!».

از مجموع آیات فوق و آیات مشابه آن در قرآن که بسیار گسترده و فراوان است، این حقیقت به دست می‌آید که قرآن، مالک و مربی و مدیر و مدبر را نسبت به تمام جهان هستی و هر شیء و هر موجود اعم از آسمان و زمین و عرش و کرسی و انسان‌های امروز و پیشین، خداوند قادر متعال معرفی می‌کند؛ و با صراحت می‌گوید: که غیر از او هیچ رب و پروردگاری در جهان هستی نیست.

اگر انسانی حقیقتاً باور توحیدی را در وجود خود ایجاد کند و مطمئن باشد در جهان هیچ نیرویی به غیر از خدا مؤثر نیست و هرچه اسباب و علل در انجام امور عالم وجود دارد همه در طول اراده خداوند است و نهایتاً همه کارها با خواست او انجام می‌گیرد، در صورت چنین بینشی است که انسان تسلیم اراده خداوند خواهد بود و در نتیجه این تسلیم صفت صبر در او بسیار نمایان می‌شود و خود این صبر ایجاد آرامشی در دل او می‌نماید و او را از بسیاری از امراض روانی و در نتیجه امراض جسمی، دور مینماید.

۳-۴. توحید در تشریح و قانون گذاری

از منظر قرآن کریم، حاکم و قانون‌گذار در احکام و قوانین شرعی خدای تعالی است و غیر از او کسی، چنین حقی را ندارد: «إِنَّ الْحَكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمْرٌ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَالِكِ الدِّينِ

القیم (یوسف، ۴۰)؛ حکم و فرمان مخصوص خداست و فرمان داده است که جز او را نپرستید که این محکم و استوار است.»

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (انعام، ۵۷)؛ حکم تنها از آن خداست، حق را از باطل جدا می‌کند و او بهترین جدا کننده [حق و باطل] است.»

در برخی از آیات کسانی را که از جانب خود احکامی را وضع کرده و به جعل قانون پرداخته‌اند، مذمت می‌کند: «وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ السُّنَّتُمْ الْكُذْبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ لَتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ لَا يُفْلِحُونَ (نحل، ۱۱۶)؛ با آنچه که زبان‌تان توصیف می‌کند به دروغ نگویند که این حلال و آن حرام است تا به خدا کذب و افتراء ببندید که هر کس بر خداوند دروغ و افتراء بدهد، رستگار نمی‌شود.»

در تعدادی از آیات به پیامبر (ص) فرمان می‌دهد که تنها و تنها از وحی الهی پیروی نماید و از پیروی آرای و هواهای نفسانی دیگران، به شدت بپرهیزد (مائده، ۴۹). البته خداوند بنا به مصالحی، وظیفه تشریح را به پیامبر اکرم (ص) نیز واگذار کرده است (ر.ک: مائده، ۴۹، حشر، ۷ و نساء، ۸۰)، ولی شارع بودن پیامبر (ص) هم‌طراز شارع بودن پروردگار نبوده، بلکه در راستای آن است. درباره شارع بودن امامان (ع) اختلاف دیدگاه وجود دارد (ر.ک: مغنیه، ۱۹۸۰، ص ۸۳، اصفهانی نجفی، بی تا، ص ۹۳). یکی از دیدگاه‌ها این است که ائمه اطهار (ع) نیز بر احکام شرعی ولایت تشریحی دارند و به منزله شارع هستند (ر.ک: محدث بحرانی، ۱۹۸۴، ج ۱۲، ص ۳۵۷ و مجتهد تبریزی، ۱۹۳۸، ص ۲۸۹).

با توجه به مطالب ارائه شده به این نتیجه می‌رسیم که خداوند سبحان برای رسیدن انسان به سعادت و تکامل احکام و قوانین را جعل کرده است تا این که مکلف در پرتو عمل به آن به سعادت و تکامل برسد. از سوی دیگر سازندگی درونی انسان، اصلاح و تهذیب نفس، در رسیدن به سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی نقش به‌سزایی دارد و این هدف مقدس بدون کمک از وحی الهی و عمل نمودن به شریعت اسلامی و فقه ممکن نیست در نتیجه چنان‌چه انسان بخواهد به سعادت و کمال برسد باید قوانینی را که خداوند حکیم برای او جعل کرده است متابعت و پیروی کند در غیر این صورت به آن هدف نهایی نخواهد رسید.

۴. نقش‌های معرفتی بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی بر سلامت معنوی

منظور از نقش‌های معرفتی، بخشی از نقش بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی است که به حوزه‌های باورها، افکار و به طور کلی حوزه شناخت و ذهن انسان مربوط می‌شوند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۴-۱. آگاهی بخشی و علم‌افزایی

قرآن کریم در راستای رسالی خود در رساندن انسان به قلّه کمال که همان قرب الهی، نفس مطمئنه و سلامت معنوی است همواره سعی بر این دارد که به انسان‌ها در ابعاد مختلف زندگی علم و آگاهی دهد. که یکی از این موارد آگاهی‌های لازم درباره سلامت معنوی است. تأکید قرآن کریم به دمیدن روح (حجر، ۲۹، ص، ۷۲)، بیان مفهوم و ویژگی‌های سلامت معنوی در قالب قلب سلیم (شعراء، ۸۹، صافات، ۸۴) و اطمینان (رعد، ۲۸ و فجر، ۲۷-۳۰) و قلب بیمار (بقره، ۱۰)، معرفی حضرت ابراهیم به عنوان الگوی قلب سلیم (صافات، ۸۴)، دعوت قرآن به سوی نفس مطمئنه (فجر، ۲۷-۱۰۰)، آرامش و اطمینان قلب با ذکر خدا (رعد، ۲۸) و... در همین رابطه قابل تفسیر است.

۴-۲. معرفت و شناخت خدا

یکی از ابعاد رابطه فرد با خدا، رابطه معرفتی و شناختی می‌باشد و این رابطه همانند چراغ روشن‌گری است که مسیر زندگی را برای انسان‌ها مشخص کرده، به آن معنا و مفهوم می‌بخشد و زندگی پاک و واقعی را از زندگی معمولی و طبیعی جدا می‌سازد؛ همچنین به ما می‌آموزد که چگونه رفتاری با خدا، خود و محیط داشته باشیم تا کمالات شایسته انسانی را به دست آوریم و به هدف غایی خلقت خویش، یعنی سعادت ابدی و قرب به خداوند برسیم. به همین دلیل رابطه معرفتی و شناختی در قرآن کریم و سایر آموزه‌های دینی، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است (ر.ک: نحل، ۷۸، انفال، ۲۲ و رعد، ۱۶).

معرفت انسان به خدا همانند دیگر معرفت‌ها دارای مراتبی است. انسان پس از حصول علم به وجود خدا، درحقیقت، شک و تردید را از بین می‌برد و به رتبه یقین می‌رسد و این یقین دارای مراتب؛ علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین می‌باشد. علم الیقین، علمی است که از روی براهین عقلی پدید آمده باشد، بطوری که احتمال خلاف در آن نباشد. مانند اینکه انسان از دود پی به وجود آتش ببرد. و این مرتبه اول یقین است.

عین الیقین، یقینی است که از روی مشاهده و وجدان پدید می‌آید و نسبت آن با علم الیقین مثل دیدن است به شنیدن. در مثال بالا مانند دیدن خود آتش است (ر.ک: مجلسی، ۱۹۸۰، ج ۷۰، ص ۱۴۳). چنانچه در سوره تکاثر به دو مرتبه اول یقین اشاره شده است: «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ، لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ، ثُمَّ لَتَرَوُنَّ عَيْنَ الْيَقِينِ (تکاثر، ۵-۷)؛ چنان نیست که شما خیال می‌کنید اگر شما علم الیقین (به آخرت) داشتید، قطعاً جهنم را خواهید دید! سپس آن را به عین الیقین خواهید دید».

در این آیه ابتدا به علم الیقین اشاره شده، که اگر انسان‌ها علم الیقین داشتند با چشم بصیرت می‌توانستند حقایق را در همین دنیا مشاهده کنند و جهنم را ببینند. و در آیه بعد به علم الیقین اشاره کرده که گفتیم مانند دیدن خود آتش است که در اینجا منظور دیدن جهنم در قیامت است (طباطبایی، ۹۹۶، ج ۲۰، ص ۳۵۲).

حق الیقین، امری است حقیقی و عینی که با حقیقت اتحاد دارد و صرفاً یک یقین ذهنی یا نفسانی نیست که خطا در آن راه نداشته باشد. در مثال مذکور مانند این است که انسان در آتش بسوزد و سوزش آن را لمس کند (ر.ک: مکارم شیرازی و همکاران، ۱۹۹۵، ج ۲۷، ص ۲۸۰). چنانکه قرآن در این باره می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (حاقه، ۵۱)؛ و آن (قرآن) یقین خالص است».

براین اساس انسانی که در شناخت خدا به مراتب یقین برسد در هریک از این مراتب از سلامت روح برخوردار است و عالی‌ترین آن به مرحله حقیقه الیقین می‌باشد که می‌توان آن را به مرحله نفس مطمئنه تعبیر کرد.

۴-۳. اعتقاد به مقدرات الهی

باور به تقدیر الهی به معنای مقدر بودن و تصادفی نپداشتن حوادث زندگی می‌باشد. در آموزه‌های قرآنی چنین اعتقادی از مراتب بالای ایمان بوده و بر آن تأکید شده است، چرا که این اعتقاد سازگاری فرد را با تبعات یک حادثه آسانتر خواهد: «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (توبه، ۵۱)؛ بگو هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرر داشته است او مولا (و سرپرست) ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!».

خداوند متعال، در آیه دیگری به مقدر بودن حوادث اشاره می‌کند و فایده آن را، این می‌داند که انسان، نه

نه از ناخوشی‌ها غمگین می‌شود و نه از خوشی‌ها سرمست: «ما أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لَكَيْلًا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (حدید، ۲۲-۲۳)؛ هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شما [به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است تا بر آنچه از دست شما رفته است، اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد». در این آیه، خداوند متعال از مردم می‌خواهد که مصیبت و سختی‌ها را قضا و قدر حتمی از جانب خدا بدانند که می‌بایست انجام شود و انسان باید در برابر آن صبر و شکیبایی داشته باشد.

در حقیقت، این باور، انسان را در برابر ناخوشی‌ها و خوشی‌های زندگی ایمن می‌سازد که از راه اثرناپذیری از دو موقعیت یاد شده به دست می‌آید. رسیدن به این مرحله و ایمن شدن در برابر هر دو موقعیت خوشایند و ناخوشایند، آن چنان مهم است که آن را «حقیقت ایمان» دانسته‌اند (متقی هندی، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۲۵ و ۱۰۶).

۵. نقش‌های عملی بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی بر سلامت معنوی

منظور از نقش‌های عملی در بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی، آموزه‌هایی هستند که با رفتار افراد رابطه مستقیم دارند. فرد برای تأمین و ارتقای سلامت خود، موظف است به آنها، عمل کند. مهم‌ترین آنها عبارتند:

۵-۱. ایمان به خدا

قرآن کریم ایمان به خدا را یکی از عوامل آرامش می‌داند و به صراحت در این مورد می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ: (آری) آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافتگانند» (انعام، ۸۲).

این آیه متضمن یک تأکید قوی است زیرا مشتمل است بر اسنادهای متعددی که همگی آنها در جمله اسمیه است نتیجه این تأکیدهای پی در پی این است که نباید به هیچ وجه در اختصاص (امنیت) و (هدایت) برای مؤمنین شک و تردید داشت» (ر.ک: طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۷، ص ۲۰۰). البته به شرط اینکه روی این ایمان با پرده‌هایی مثل شرک و ستم پوشیده نشود و مراد از ظلم در این آیه به معنای چیزهایی است که برای ایمان مضر بوده و آن را فاسد و بی اثر می‌سازد. که اکثر مفسرین آنرا شرک دانسته و این را از آیه «إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ: شرک، ظلم بزرگی است» (لقمان، ۱۳) استفاده کرده‌اند (طبرسی، ۱۹۹۳، ج ۴، ص ۵۰۶).

در آیه دیگر آرامش و سکینه را عامل افزایش ایمان در دل مؤمنان می‌داند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ: او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند» (فتح، آیه ۴). سکینه " از ماده سکون است که خلاف حرکت است، و این کلمه در مورد سکون و آرامش قلب استعمال می‌شود و معنایش قرار گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم و اراده است (طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۲۴۸)، در بعضی از روایات "سکینه" به "ایمان" تفسیر شده (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۸۶) و در بعضی دیگر به نسیم بهشتی که در شکل انسانی ظاهر می‌شود و به مؤمنان آرامش می‌بخشد (همان، ج ۲، ص ۱۶۴). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: که هر انسانی در زندگی به نیرویی روحی و روانی برای حرکت

و فعالیت خود نیازمند است که خداوند آن را در دل‌ها قرار می‌دهد. این آرامش و سکینه به ویژه در هنگام سختی‌ها و دشواری بیش‌تر خود را می‌نماید (طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۹، ص ۲۲۲). همچنین، باتوجه به انتساب این نوع آرامش به خدا در آیات متعدد قرآنی و پیوند استوار آن با مسأله ایمان و تقوا نشان می‌دهد که معنای خاصی از آرامش در این آیات مورد نظر است که ویژه مؤمنان و اهل تقوا و اصطلاح خاص قرآنی است. از این رو سکینه را آرامش و حالتی الهی و نوع ویژه‌ای از آرامش می‌شمارد که تنها بر دل‌های پاک و جان‌های پرهیزگار فرود می‌آید و همواره موجب تثبیت ایمان مؤمنان و افزایش روح تقوا در ایشان می‌شود. از این رو باید گفت که سکینه آرامشی خاص. ویژه مومنان در مراحل عالی است و دیگران از آن بهره‌ای نمی‌برند (همان).

اینکه چگونه ایمان و شناخت حضرت حق مایه آرامش و اطمینان قلبی انسان می‌گردد؟ شاید بتوان دلیل اطمینان و آرامش قلبی ناشی از ایمان در فرمایش امام صادق (ع) جستجو کرد که فرمودند: «انسان دین‌دار چون می‌اندیشد، آرامش بر جان او حاکم است. چون خضوع می‌کند متواضع است. چون قناعت می‌کند، بی‌نیاز است. به آنچه داده‌شده خشنود است. چون تنهایی را برگزیده از دوستان بی‌نیاز است. چون هوا و هوس را رها کرده آزاد است. چون دنیا را فرو گذارده از بدی‌ها و گزندهای آن در امان است. چون حسادت را دور افکنده محبتش آشکار است. مردم را نمی‌ترساند پس از آنان نمی‌هراسد و به آنان تجاوز نمی‌کند پس از گزندشان در امان است. به هیچ‌چیز دل نمی‌بندد پس به رستگاری و کمال فضیلت دست می‌یابد و عافیت را به دیده بصیرت می‌نگرد پس کارش به پشیمانی نمی‌کشد (ر.ک: مجلسی، ۱۹۸۲، ج ۶۶، ص ۲۱۷). لذا روشن است که آرامش قلبی مؤمن ناشی از چیست؟ از اینکه مدام خدایی را ناظر و شاهد بر اعمال و مصائبش می‌بیند و از اینکه با اعتماد به برنامه زندگی الهی از اعمالی که موجبات تشویش و اضطراب را فراهم می‌کند دوری می‌کند و از این دو طریق به آرامش و اطمینان ناشی از ایمان دست می‌یابد.

ذکر از ریشه «ذکر» در لغت در مقابل نسیان (جوهری، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۶۶۴، ابن‌فارس، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۸، ابن‌منظور، ۱۹۸۴، ج ۴، ص ۳۰۸) و به معنی حفظ چیزی با یادآوری آن (فراهیدی، ۱۹۹۸، ج ۵، ص ۳۴۶) و جاری شدن چیزی بر زبان (همان) به کار رفته است. در اصطلاح دانشمندان اخلاق و مفسران، ذکر توجه کلی به خداوند همراه با حضور قلب و فراغت خاطر است (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۷). برخی از ایشان ذکر را حضور معنا (طوسی، ۲۰۱۰، ج ۲، ص ۳۱ و ۱۷۰). یا مذکور (موسوی سبزواری، ۱۹۹۸، ج ۳، ص ۱۷۴) در قلب و زبان دانسته‌اند. و چون در موارد یاد شده متعلق ذکر خداوند است به معنای حضور خداوند در قلب و زبان می‌باشد. برخی ذکر را به معنای توجه و یاد خدا در امر و نهی دانسته به طوری که باز دارنده از گناه و سوق دهنده به طاعات باشد. از تعاریف یادشده به دست می‌آید که عالمان اخلاق برای ذکر معنای اصطلاحی خاصی بیان نکرده و به همان معنای لغوی بسنده کرده‌اند. تنها تفاوت در متعلق ذکر است که در معنای لغوی به صورت مطلق به کار رفته، اما در معنای اصطلاحی بر خدا اطلاق شده است.

و در آیات دیگر ذکر و یاد خدا را عامل آرامش می‌داند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸)؛ آنها (کسانی که به خدا برمی‌گردند) کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است، آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

اطمینان، نوعی آرامش مستقر است که مرحله و مرتبه‌ای فراتر از سکینه است و از سوی دیگر دامنه گسترده تری از آن را در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۱۱، ص ۲۵۳). اطمینان به جهت استقراری که در آن نهفته است مورد توجه است و حتی حضرت ابراهیم (ع) برای ایجاد آن از خداوند درخواست می‌کند که مسأله رستاخیز را به گونه ای بنمایاند که آرامش مستقر و مطمئنی در دلش پدید آید. (بقره، ۲۶۰) چنان‌که چنین درخواستی از سوی حواریون نیز مطرح شده و خداوند به هر دوی آن‌ها پاسخ مثبت داده است. (مائده، ۱۱۲ - ۱۱۳). نزول فرشتگان در جنگ بدر نیز چنین آرامش مستقری را دل‌های مومنان پدید آورد. (آل عمران، ۱۲۳ - ۱۲۶).

بر اساس این آیه تنها و تنها راه رسیدن به آرامش یاد پروردگار و برقراری ارتباط با خداوند متعال است (ر. ک: طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۱۱، ص ۲۵۳). در مقابل دوری از یاد خدا، زندگی را دشوار می‌سازد: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْلًا شَرُّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى: هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم» (طه، ۱۲۴).

۵-۳. حب عبودی

رابطه عاشقانه میان خالق و بندگان را براساس مهر و محبت حب عبودی نامند (طباطبایی، ۱۹۹۶، ج ۱۲، ص ۱۶۰-۱۶۱). حب عبودی یعنی محبتی که از روی عبودیت فرد و ناشی از شناخت توحیدی نسبت به خداوند است؛ محبتی که همه نقایص و تمایلات انسان را پاسخ می‌دهد. علامه طباطبایی در المیزان می‌نویسد: مهم‌ترین شیوه تربیتی اخلاقی در نظر قرآن، شیوه حب عبودی است. چون بنای اسلام بر محبت عبودی است. یعنی ترجیح دادن جانب خدا بر جانب بنده؛ رضای خدا را بر رضای خود ترجیح دادن؛ از حق خود به خاطر حق خدا گذشتن و از خشم خود به خاطر خشم خدا صرف نظر کردن؛ این محبت انسان را به کارهایی وا می‌دارد که عقل اجتماعی نمی‌پسندد. چون ملاک اخلاق اجتماعی، همین عقل اجتماعی است. محبت انسان را به کارهایی وا می‌دارد که فهم عادی که اساس تکالیف عمومی و دینی است، آن را نمی‌فهمد (همان، ج ۱، ۵۴۲). قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران، ۳۱)؛ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است». در این آیه محبت انسان به خداوند ارزشمند یاد شده است که هم امری ممکن و شدنی یاد شده است و هم تحصیل آن بسیار ضروری است. تکامل این محبت این است که به تدریج دل از هرچه غیر خداست کنده می‌شود و محبت فقط به خدا تعلق می‌گیرد و چنین محبتی مایه آرامش و سلامت روح و روان انسان می‌گردد.

۴-۵. تقویت روحیه رضایتمندی در زندگی

یکی دیگر از آثار اعتقاد به خدا، ایجاد روحیه تسلیم و رضا به مقدرات الهی است. پدید آمدن این حالت مبتنی بر فراهم شدن زمینه‌های شناختی و عاطفی است. فرد باید باور داشته باشد که همه رویدادهای جهان منوط به اذن خداوند و توانی است که او به اسباب و علل اضافه می‌کند. به علاوه خداوند نه تنها نسبت به مصالح انسان‌ها آگاهتر است بلکه خیر خواه‌تر و سعادت طلب‌تر از خود آنها نسبت به خودشان است (کلینی، ۱۹۸۶، ج ۳، صص ۱۰۰-۱۰۱). بنابراین همه حوادث در جهت خیر و صلاح انسان‌ها روی می‌دهد. تسلیم و رضا به حوادث جهان که بر اساس خواست خداست، برای انسانی که به امور ماورای طبیعت باور و به خداوند تعلق عاطفی دارد، امری مطلوب خواهد بود و اگر رضا را در پیش‌نگیرد وضعیت دشوارتر می‌شود. این حالت به ویژه برای شرایطی سودمند است که حوادثی روی دهد که تلاش و خواست انسان‌ها در آن نقشی نداشته باشد. حوادثی مانند؛ زلزله، سیل، بیماری‌های علاج‌ناپذیر و مرگ عزیزان، اغلب از حیطه کنترل افراد خارج است. بروز این حوادث، انسان را دچار مشکلات سازشی جدی می‌کند؛ در این گونه موقعیت‌ها اگر انسان در برابر قضای الهی تسلیم و راضی باشند رویارویی با این مشکلات آسان‌تر خواهد بود

۵-۵. پناه جستن به خدا

یکی از خطرناک‌ترین اموری که موجب هلاکت آدمی و ساقط شدن او از انسانیت و آدمیت است، وسوسه شیطانی است. وقتی شیطان انسان را وسوسه می‌کند تا گناه و معصیت و نافرمانی امر خدا را انجام دهد، برای کسانی که اهل ایمان هستند و خداپرست هستند، یک حالت اضطراب و ترس و تردید در وجود آنها ایجاد می‌شود و عاقبت انجام این کار می‌ترسند. خداوند در قرآن برای این افراد راه نجاتی را برای خلاصی از وسوسه شیطان نشان داده است و این راه، راه نجات از آن اضطراب و تردید و دلهره و رسیدن به آرامش و اطمینان قلبی از رضایت خداوند هم هست آن راه "استعاذه یا طلب پناهندگی" از خداوند برای رهایی از شرّ و وسوسه‌های شیطان است: «وَإِذَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ

فَأَسْتَعِذُ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (اعراف ، ۲۰۰ ، فصلت، ۳۸)؛ و هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر که او شنونده و داناست».

بنابراین یکی از امری که باعث ایجاد آرامش و راه رسیدن به اطمینان نفس است، پناه بردن به خداوند سبحان است. پناه بردن به کسی که پناه بی پناهان است. و همه در سایه لطف الهی احساس امنیت و آرامش می‌کنند.

و نیز در جای دیگر به پیامبر دستور می‌دهد برای پیشگیری از رذایلی چون؛ حسادت به خدا پناه برد: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (فلق ۱-۵). در آغاز این سوره به پیغمبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که از شر تمام مخلوقات شرور به خدا پناه برد. سپس در توضیح آن اشاره به سه گونه شر می‌کند شر مهاجمین تاریک‌دل که از تاریکی‌ها استفاده می‌کنند و حمله‌ور می‌شوند. شر وسوسه‌گرانی که با سخنان و تبلیغات سوء خود اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها و پیوندها را سست می‌کنند و شر حسودان (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۹۹۵، ج ۲۷، ص ۴۶۲).

جمع بندی و نتیجه گیری

۱. سلامت معنوی در قرآن به عنوان یکی از ابعاد سلامت در کنار سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی با واژه های قلب سلیم و نفس مطمئنه مورد توجه قرار گرفته است و به معنای عاری بودن نفس و قلب انسان از هرگونه بیماری؛ اعتقادی، اخلاقی مبراست و دارای شاخصه های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری می‌باشد.

۲. سلامت معنوی در قرآن دارای بنیان‌های، هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی، ارزش شناختی است که آن را از سایر نظام ها متمایز می‌سازد.

۳. بنیان‌های هستی شناختی دارای بنیان های هستی شناختی توحیدی، بنیان های هستی شناختی غیبی یا فرامادی و بنیان‌های هستی‌شناختی شهودی یا مادی می‌باشند که در این پژوهش بنیان‌های هستی شناختی توحیدی مورد بحث و بررسی قرا می‌گیرند.

۴. توحید در خالقیت، توحید در مالکیت، توحید در ربوبیت و توحید در حاکمیت و تشریح از مبانی توحیدی و یکتاپرستی هستند که هر یک از این مبانی در سلامت روح و معنوی انسان نقش اساسی دارند. بنابراین یکی از مهم‌ترین کارکردهای مبانی توحیدی آرامش و اطمینان ناشی از ایمان و ذکر و یاد خدا می‌باشد.

۵. بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی با نقش‌های معرفتی و عملی موجب سلامت معنوی می‌شوند. شناخت و معرفت خدا و اعتقاد به مقدرات الهی از مهم‌ترین نقش‌های معرفتی و ایمان به خدا، ذکر و یاد خدا، حب عبودی، تقویت روحیه رضایتمندی از زندگی و پناه جستن به خدا از مهم‌ترین نقش‌های عملی بنیان‌های هستی‌شناختی توحیدی در سلامت معنوی هستند.

مشارکت نویسندگان

مقاله به صورت انفرادی نگاشته شده است.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع و مآخذ

The Holy Quran

Azarbaijani, M, *The pattern of spiritual health in the Holy Quran with a semantic approach, Islam and Religious Studies bi-monthly, year 1,2022, persiam.*

ibn Ashur, M, Tahrir and al-Tanvir, B. Cha .n.d , Arabic

ibn Faris, A, Al-Maqais al-Lagheh, Qom, Al-Alam al-Islami School, B.T.A.

Arabic. ibn Manzoor, M, Al-Arab Language, Bija, Adab Al-Hawzah, Vol1984. Arabic.

Azhari, Tahzib al-Lagheh, Beirut, Darahiya al-Tarath al-Arabi, n.d.

Arabic. Gomez R, Fisher, JW. Domains of spiritual well-being and development and validation of the Spiritual. Well-Being Questionnaire, 2003.

Esfahani Najafi, M, Hidayah al-Mustarashdin, Qom, Al-Al-Bayt (A.S.) Foundation, first edition . n.d Arabic.

- Bahrani, H, *al-Barhan fi al-Tafsir al-Qur'an*, first edition, Tehran, Basat Basat, 1995, Arabic.
- Hawks SR, Hull ML, Thalman RL, Richins PM. Review of spiritual health: definition, role, and intervention strategies in health promotion. *American Journal of Health Promotion*, (9), p. 371. 1995
- Har amali, M. *Al-Wasal al-Shia*, Al-Al-Bait Institute, Qom.1998. Arabic.
- Johari, I; *Sahih al-Legha*, the research of Ahmad bin Abdul Ghafoor Attar, Darul Alam for millions, fourth edition. 1983, Arabic.
- Dehkhoda, A ,*Dehkhoda dictionary*, second edition, Tehran, University of Tehran1998, perdian.
- DiMatteo, M, *Health Psychology*, translated by Mohammad Kavian-Porou and others, Tehran, Samt. 2008, perdian.
- Ragheb Esfahani,m, Vocabulary of Al-Qur'an, Tehran: Ismailian, Institut . n.d . Arabic.*
- Sobhani Tabrizi, J, lectures in theology, translated by Mohammad Ali Farzi Khorasani, Qom, Dar al-Fikr ,2016, . perdian.*
- Seyyed Bin Qutb Bin. E, Tafsir Fi Zalal, 17th edition, Beirut, Dar al-Sharq, 1991, perdian.*
- Tabatabaei, M H, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 5th edition, Qom, Islamic Publications Office of Qom Theological Seminary Society . 1996. perdian.*
- Tabarsi, H F, Al Bayan Assembly, Tehran, Nasser Khosr, 1992, perdian,*
- Tousi, M H, al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, edited by Aamily, Ahmad Habib, first edition, Beirut, Dar Ihiya al-Trath al-Arab2010 ,erdian*
- Azizi, et al, spiritual health, what, why and how, first edition, Tehran, Legal Publications . 2014 , persian*
- Farahidi, Kh, Kitab al-Ain, Qom, second edition, Hijrat publishing hous,1998. Arabic*
- Faiz Kashani, M, Muhja Al-Bayda, corrected by Ali Akbar Ghafari, Qom, Al-Nashr al-Isla m. n.d. Arabic.*
- Motaghi Handi, A, Kanzal-Amal fi Sanin al-Aqwal Walafal, Beirut, Risala, Institute,1998, Arabic*
- Mujtahid Tabrizi, S, Al-Ghuriya articles in the research of Islamic studies, Tabriz, Mashhad Asad Agha Pres,1938, Arabic*
- Majlesi, M, Bihar Al-Anwar, Al-Ofaa Foundation. Beirut, 1982 . Arabic.*
- Muhaddith Bahrani, Y), al-Hadaiq al-Nadrah fi Ahkam al-Atrah al-Tahira, vol. 12, Qom, Islamic Publications Office . 1984. Arabic.*
- and ZA, Medical Ethics Quarterly (2012), 6th year, 20th issue, pp. 69-99.*
- Misbah Yazdi, MT, The Law of Flight, summary of Javad Mohaddisi, Qom, Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute, 9th edition,2020. Perdian.*

Motahari, M, collection of works, Tehran, Sadra Publishing House, 2010. Arabic.

Makarem Shirazi et al., Tafsir al-Nash, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiya. 1995 . perdian.

Mughniyeh, M, Tafsir Kashif, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya. 1993. Arabic. , The Science of the Principles of Al -Fiqh al -Jadid, Qom, Al -Zahra Schoo ,1980, Arabic.

Mousavi Sabzevari, A, Mohabeul-ur-Rahman's interpretations of the Qur'an, second edition, Beirut, Ahl al-Bayt (pbuh) .1998. Arabic.

1997.. Word Health Organization. Review of the Constitution, EB 10 ,1/7

معرفی نویسنده



عنایت شریفی دانشیار (در آستانه استادی) گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی است فارغ التحصیل حوزه علمیه قم با سابقه پانزده سال سابقه شرکت در درس خارج فقه و اصول و داری مدرک تخصصی سطح ۴ در رشته معارف اسلامی و تخصصی تبلیغ است و سردبیر مجله علمی پژوهشی، پژوهشنامه معارف قرآنی با رتبه الف هستند و بیش از ۱۵ کتاب و ۷۰ مقاله پژوهشی ملی و بین المللی دارند. تاکنون چندین بار به عنوان

استاد و پژوهشگر برتر کشوری در میان اساتید معارف اسلامی و پژوهشگر برتر دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی معرفی شده است و دارای تخصص قرآن پژوهی، فقه، اصول فقه و تربیت و اخلاق هستند.

How to cite this paper:

Enayat Sharifi (2024). An Analysis of the Role of Monotheistic Ontological Foundations on Spiritual Health from the Perspective of the Holy Quran. *Journal of Ontological Researches*, 13 (25), 127-152. Persian.

DOI: 10.22061/orj.2024.2160

URL: https://orj.sru.ac.ir/article_2160.html



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to SRU Press. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC-BY-NC 4.0) License. For more information, please visit <https://www.creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode>.